

حاج میرزا آقاسی

-۱۸-

از توضیحات جناب آقای حسین نواب وزیر خارجه اسبق راجع به کتاب دستورالاعقاب نوشته میرزا محمد مهدی نواب و تاریخ قاجار و رسالات دیگر تألیف میرزا محمد ابراهیم بدایع- نگار مندرج در شماره هشتم مجله شریفه بغما صمیمانه تشکر میکنم. اما اینکه جناب معظم له مرقوم فرموده اند که راقم این سطور خواسته است قضاوت تاریخ را در حق حاجی میرزا آقاسی تعدیل نماید لازم است با کمال ادب به عرض ایشان برسانم که نویسنده در قسمت اول این سلسله مقالات متذکر شده ام که حاجی میرزا آقاسی در جامعه گروهی موافق و جمعی مخالف دارد و من سعی خواهم کرد که نظر هر دو دسته را جمع آوری و داوری رابه عهده خوانندگان گرامی محول کنم. این جانب هرگز مایل نیستم که این سلسله مقالات رفته رفته به صورت مناظره در آید و یا خدای ناخواسته به مشاجره قلمی تبدیل شود. نویسنده با حاج میرزا آقاسی هیچ گونه قرابت سببی و یا نسبی ندارد که خواسته باشد از او حمایت و جانب داری کند و یا حقایق تاریخی را معکوس جلوه دهد. من در حاشیه زاینده رود نشو. و نمایانم که تا زادبوم حاجی و کرانه های رودارس فرسنگ ها فاصله دارد. ولی این موضوع دلیل آن نیست که در نوشتن شرح حال یکی از رجال و زمام داران کشور که فریب چهارده سال متوالی بلا معارض عهده دار امور ایران بوده است خدمت و یا بالعکس خیانت او را نادیده بگیریم. بهمین سبب تا کنون مطالب بسیاری ام از له یا علیه حاجی از منابع مختلف ضمن این سلسله یادداشتها نقل و اقتباس گردیده است.

خواهید فرمود چه شد که میان بیغمبرها جرجیس را انتخاب کردم؟ در جواب این سؤال باید بعرض برسانم که چندی پیش آقای دکتر حریری از یاریس شرحی نوشته و بوسیله مجله بغما از جناب آقای معیر الممالک خواسته بودند که به دنبال شرح حال رجال دوره قاجاریه مقالاتی هم با قلم شیرین و شیوای خود پیرامون زندگی حاج میرزا آقاسی بنویسند. جناب آقای معیر به عنذرا اینکه زمان حاجی صدراعظم را درک نکرده اند و در حال حاضر نیز مجال و فرصت مراجعه به کتب تاریخی را ندارند از قبول این تقاضا سرباز زدند. سپس استاد حبیب یغمائی که انجام او امر مطاع ایشان بر بنده فرض و واجب است اجرای این امر را به بنده ضعیف محول فرمودند. این جانب نیز امتثالاً للامر با مراجعه به منابع مختلف به تهیه و تدوین شرح حال حاج میرزا آقاسی مبادرت و همه جا مدارک و مأخذ را ذکر نمودم تا نوهم هر گونه جانب داری یا اعمال اغراض خصوصی منتفی شده باشد.

جناب آقای نواب مرقوم فرموده اند که نظر میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار و پدرش میرزا محمد مهدی نواب راجع به حاجی، چون پدر و پسر هر دو معاصر او بوده اند، حجت است و در سحت داوری و قضاوت آنان تردیدی نباید داشت. اگر نظر هر مورخی راجع به یکی از رجال کشور منحصرأ باین عنوان که معاصر او بوده قاطع تلقی شود و ملاک و مأخذ قضاوت تاریخ قرار بگیرد پس باید اوستحجات میرزا محمد تقی سپهر مؤلف تاریخ قاجاریه و رضائلی خان هدایت

نویسندهٔ روضه‌الصفای ناصری را نیز که معاصر میرزا تقی‌خان امیر کبیر بوده‌اند پیرامون سرنوشت شوم آن مرد بزرگ و عالی‌قدر درست و مطابق با واقع بدانیم. جای شبهه و تردید نیست که امیر کبیر در نتیجهٔ تخریب و سعایت میرزا آقاخان اعتمادالدوله و مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه درحماق فین کاشان کشته شد و مأمور اجرای این حادثهٔ ناگوار حاج علی‌خان اعتمادالسلطنه مقدم بود ولی سپهر این حقیقت مسلم را دگرگون ساخته و سرانجام زندگی امیر کبیر را چنین وصف کرده است:

«پس از مدت يك اربعين كه ميرزا تقی‌خان در قریهٔ فین روز گذاشت از اقتحام خون و ملال مزاجش از اعتدال بگشت و سقیم و علیل افتاد و از فرود آنگشتان پای تا فراز شکم رهین‌ورم گشت و شب هیجدهم ربیع‌الاول درگذشت.» ۲

رضاقلی خان هدایت نیز پیرامون این مقوله چنین نوشته است:

«در فین کاشان که به نزاهت معروف است ماهی دو موقوف همی زیست و بواسطهٔ تسلط نفق و تغلب‌ندم در شب ۱۸ ربیع‌الاول جهان فانی را بدرود کرد.» ۳

سپهر و هدایت کتابهای خود را در زمان صدارت میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوشته و صدراعظم نوری در تنظیم مندرجات هر دو کتاب نظارت داشته و بعضی از مطالب این کتاب‌ها را جرح و تعدیل کرده است. ۴ با این وصف هیچ يك از آنها (حتی سپهر که دشمن خوبی حاج میرزا آقاسی و مداح اعتمادالدوله بوده) نتوانسته‌اند مقام علمی و فضایل حاجی میرزا آقاسی را کتمان و یا انکار نمایند.

اما اینکه جناب آقای نواب مرقوم فرموده‌اند حاجی با اینکه حقوق قبول نکرده يك هزار و چهار صد و هشتاد و چند قریه بیرون از تصور و نقود و اناث‌البت از خود گذاشته که هم‌را از او گرفته‌اند و جواز خروج او را داده‌اند، با ماخذ تاریخی موجود منطبق نمیباشد. زیرا حاجی میرزا آقاسی در بحبوحهٔ قدرت و در زمان صدارت کلیهٔ دارائی خود را به مصالحهٔ شرعی به محمدشاه هبه کرد. ۵ جناب آقای نواب مرقوم فرموده‌اند که حاجی پس از نیل به مقام صدارت خود را شخص اول ایران نام نهاد و سپس به تعرض متذکر شده‌اند «جدا داشت که حتی نام بالاتری انتخاب میکرد» سپهر راجع به اطلاق کلمات شخص اول به حاجی چنین مینویسد: «چون حاجی میرزا آقاسی زشت میدانست که کس او را وزیر خطاب کند یا صدراعظم خواند ... و همی بر زبان داشت که چون نصرت پادشاه اسلام فرض است و مرا در خدمت محمدشاه عقیدتی به کمال باشد روزی چند زحمت این خدمت بر خویش می‌نهم و دامن نقوای خویشین به پلیدیهای دنیوی آلوده میسازم»

۱ - باللمجب یکی از نویسندگان معاصر که این جانب برای او احترام فراوان قایل میباشند اخیراً ضمن نگارش شرح احوال «سیاست‌گران دورهٔ قاجار» منجمله محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در آن جا که سخن از مأموریت حاج علی‌خان به میان می‌آید چون از طرف ما در سلسله نسب او به اعتمادالسلطنه اول منتهی میشود بر خلاف حق و حقیقت مدعی شده است که حاج علی‌خان در قم توقف کرد و همراهان خویش را برای قتل امیر کبیر به کاشان فرستاد و شخصاً در انجام این امر ناروا مداخله‌ای ننمود و دست به خون امیر نیالود. ۲ - تاریخ قاجار به سپهر چاپ بنگاه مطبوعاتی امیر کبیر جلد سوم ص ۱۵۳ ۳ - روضه‌الصفای ناصری چاپ چهارم جلد دوم ص ۵۰۰ ۴ - نگاه کنید به ص ۴۱ شماره اول سال ۱۷ یغما ۵ - ر . ک به ص ۱۷۴ شماره ۴ سال ۱۷ یغما .

تا ... و پشت مناشیر پادشاه را چنانکه قانون وزیران است خاتم نمی‌نهاد و اهالی دول خارجه چون دانستند که حاجی میرزا آقاسی لقب صدارت و وزارت رامکروه میدارد او را شخص اول ایران خطاب کردند و او این لقب را بسنده داشت. ۶ لازم است تذکر داده شود که «شخص اول» ترجمه تحت‌اللفظی کلمه فرنگی «پریمیر» است و اطلاق این عنوان از ابتکارات خود حاجی نبوده است. سیداحمد کسروی مینویسد: «سفرای دولتهای اروپا که در طهران بودند چون دانستند که حاجی از لقب صدراعظم بدش میآید به رسم اروپائیان که صدراعظم را پریمیر میخوانند حاجی را «شخص اول ایران» نامیدند. ۷

امید است جناب آقای نواب تذکر موضوعات بالا را بر اسائه ادب و باجسارت و گستاخی حمل نفرمایند. نویسندگان خارجی تقریباً همه بلااستثنا اعمال و رفتار حاجی میرزا آقاسی را مورد نکوهش قرار داده‌اند و پاره‌ای از اظهارات آنان ضمن مقالات گذشته به نظر خوانندگان رسیده است. اینک نیز شرحی را که در سفرنامه فریه ۸ راجع به حاجی نوشته شده است و مؤید اظهارات بدایع نگار و پدرش میباشد ترجمه و ذیلاً نقل میکنیم تا جناب آقای نواب یقین حاصل نمایند که در تنظیم این سلسله مقالات هدفی جز روشن شدن حقایق تاریخی نیست و گفته‌های مؤلف و دخالت هر دو با کمال بی‌طرفی و بدون اعمال نظر خصوصی ضبط و ثبت خواهد شد. فریه مینویسد: «حاج میرزا آقاسی پیوسته اوقات گزارشات خلاف واقع به عرض شاه میرسانده و او را اغفال می‌نمود.» مستر سیمود در حاشیه نوشته‌است: «این مرد عجیب و فوق‌العاده که تصویر او در صفحه اول کتاب مشاهده میشود اهل ایران و در حقیقت تبع‌روسی بود!!! وی سمت معلمی و لکمی محمد شاه را داشت و شاگرد او که به سلطنت رسید معلم نیز به صدارت منصوب گردید و زمام داری او تا فوت شاه ادامه یافت. حاجی مردی لایق و با استعداد و در عین حال تندخوی و سفاک بود. در زمان صدارت او مشاغل مهم و معتبر دولتی و حکمفرمایی ایالات و ولایات در مقابل اخذ مبالغی به عنوان دم‌جا و بیشکس به اشخاص مختلف محول میگردد و صاحبان مشاغل از ترس اینکه مبادا زود از مقام خود ساقط شوند دوره مأموریتشان در فاصله کوتاهی منقضی گردد حتی الامکان تا اندازه‌ای که میتوانستند از مردم اخاذی و سکنه قلمرو مأموریت خود را سرو کیشه میکردند و برای انجام این منظور از اعمال هیچگونه ظلم و ستم روی بر گردان نبودند فسون در این دوره اسم بی‌مسئالی بود و سر بزازان دولتی در بلاد و اوطان خود به کارهای مختلف اشتغال داشتند و صاحب منصبان ارشد و عالی‌رتبه حقوق افراد رایبه جیب میزدند بدیهی است که روس‌ها هنگام صدارت حاجی میرزا آقاسی نفوذ زیادی در دستگاه دولت ایران داشتند ۹ و هر وقت که حاجی

- ۶ - تاریخ قاجاریه سپهر جلد دوم صفحات ۴۰ و ۴۱ - ۷ - تاریخ پانصد ساله خوزستان نوشته احمد کسروی چاپ دوم ص ۱۳۳ - ۸ - برای اطلاع از شرح حالات فریه رجوع کنید به ص ۳۸۲ جلد دوم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود. سفرنامه فریه راسروان ویلیام جمس از فرانسه به انگلیسی ترجمه نموده و مستر سیمود ناشر ترجمه حواشی و ملحقاتی به آن افزوده‌است. نسخه مورد استفاده راقم سطور متعلق است به کتابخانه مخدوم مکرم جناب آقای اصغر فرما فرمائی ۹ - این ادعا با مطالبی که ضمن شماره چهارم سال ۱۸ یغما بعرض خوانندگان رسیده‌مباین و معارض است. محمود محمود در ذیل ص ۳۵۷ جلد دوم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس مینویسد: «چنین مردان سیاسی در این است که فرستگها از حقیقت و انصاف دور باشند و در هر جا

اوضاع را به فوق مرام و طبق دلخواه نمیدید بی ملاحظه میگفت من ایرانی نیستم و اهل روسیه‌ام و چنانچه شاه وجود مرا زاید بداند استرم را سوار و روانه ایران میشوم. ۱۰ در زمان زمامداری او نفوذ انگلیسها روز بروز روبه تنزل بود. ۱۱

رضاقلی میرزا فرزند ارشد حسین علی میرزا فرمانفرما در سفرنامه خود تحت عنوان «در بیان احوال میرزا آقاسی» چنین مینویسد :

«مجمعل از مفصل آنکه میرزا آقاسی ایروانی مردی دیوانه و شریر مطلقاً عقل در سرش جای نگرفته اما افلاطون حکیم را طفل دبستان خود محسوب میداشت و به حدی فاسدالقییده بود که به هیچ وجه به مبدء و معاد معتقد نبود. از عرفانیت فقط به اسم تصوف قناعت و دعوی این مرحله را به قانون سوفسطائی کفایت میدانست. در بدو حال از اجامر و اوباش ایران محسوب میشد و در سن صبی با محمد شاه مجالس وشاه را در عدم امتیاز که مقتضای سن است تسخیر و شاه را اعتقادی به وی بهم رسیده و در نهایت ارادت در خدمت جناب میرزا توافل و کوتاهی نمینمود. در این اوقات که فیض پروردگار و العطف حضرت جباری اسباب و سبب فراهم نموده و او رنگ خسروی و دیهیم فرماندهی را قسمت اوداشته بیشتر معتقد به آن مرشد گمراه گشته به مضمون هذا من بر کة البرامکه این عطیه را نیز از انفس کثیر الانجاس مولانا دانسته ولی از خوف قائم مقام نمیتوانست ارادت خود را نسبت به وی ظاهر سازد و دست بوسیش در خفیه دست میداد و زبان تنان خواری پنهانی میکشاد. عاقبت وفور ارادت و کثرت نیاز شاه را بر آن داشت که در حق مولانا خدمتی شود. روزی مستوفیان را امر فرمودند که رقم سید تومان وظیفه به اسم جناب میرزا از دفتر خانه بگذرد. رقم را نوشتند به نظر قائم مقام که رسید مهر آن را برداشته رقم را پاره کرده گفت با سید تومانی که به میرزا آقاسی دیوانه میدهیم میتوان سی نفر سرباز گرفت که مبلقی به کار نوکری آید. این کیفیت را به عرض شاه رسید مزید بر علت شده میرزا آقاسی نیز محرك گردید و فسادکار قائم مقام را به زبان ارشاد به عرض شاه رسانید و عاقبت میان مرید و مراد مراتب قتل و افول دولت آن سید نیکو نهاد قرار یافت. ۱۲»
 ناتمام

منافع آنها اقتضا کند از تهمت و افترا خودداری نمایند. در همین تاریخ که این شخص از آن صحبت میکند و به نفوذ روسها در دربار ایران اشاره مینماید دولتین ایران و روس روابط خوبی نداشتند. خود انگلیسها این موضوع را بهتر از هر کسی میدانند چونکه انگلیس و روس از سال ۱۸۳۹ روابط خود را اصلاح کردند و انگلیسها دولت روسیه تزاری را گول زدند. ۴

۱۰- اگر این مطلب مطابق با واقع بود حاجی بعد از فوت محمدشاه به ایران میرفت نه به عتبات عالیات ۱۱- سفرنامه فریه ص ۲۱ ۱۲- نقل از سفرنامه رضا قلی میرزا نسخه متعلق به جناب آقای اصغر فرمانفرمایی. این سفرنامه زیر چاپ است و قریباً زینت بخش عالم مطبوعات خواهد شد. نکوهش و بدگوئی رضا قلی میرزا از حاجی میرزا آقاسی و جانب داری از قائم مقام که در زمان صدارت او و در نتیجه حسن تدبیر منوچهر خان معتمدالدوله بساط فرمانفرمایی سی و چند ساله حسین علی میرزا بعد از فوت فتحعلیشاه درهم پیچیده شد و سپس فرزندانش از هستی ساقط و سه نفرشان از جمله همین رضاقلی میرزا از وطن آواره و بیگ دولت خارجی پناهنده گردیدند علل و جهاتی دارد که میبایستی طی یک مقاله جداگانه پیرامون آن بحث و موضوع تجزیه و تحلیل شود.